

## آدم(ع)، مسجود فرشتگان

جعفر فکری

آیا سجده فرشتگان برای آدم بوده، یا برای خدا و آیا آدم، بسان قبله بوده است؟ مفسران و دانشمندان اسلامی، در مورد این که سجده فرشتگان برای آدم بوده یا برای خدا، اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند چون سجده، نهایت خضوع و کرنش است و در شرع مقدس اسلام عبادت محسوب می‌شود، پس برای غیر خدا روا نیست، بعضی نیز می‌گویند چون این کار به امر خدا بوده، منعی نداشته است.

و در این باره کسانی که حقیقت عبادت را نشناخته‌اند و مرز آن را از تعظیم و تکریم جدا نکرده‌اند، دچار اضطراب شده و تنها توجیه شان این است که چون سجده بر آدم به دستور خدا بوده، عنوان عبادت پیدا نکرده است، غافل از این که اگر ماهیت عملی، عبادت باشد، فرمان خدا واقعیت آن را دگرگون نمی‌کند. پس باید راز مطلب را فهمید که چگونه خداوند چنین دستوری به فرشتگان داده است.

حقیقت این است که سجده، عبادت ذاتی نیست، بلکه نوعی عمل عبادی قراردادی است، لذا مانعی ندارد که آن را بر دو قسم بدانیم: سجده عبادی و سجده احترامی؛ سجده عبادی، مخصوص خداوند است و اگر برای غیر او انجام پذیرد، سر از شرک درمی‌آورد و آن سجده‌ای است که با انگیزه پرستش مسجود صورت گیرد، نه سجده‌ای که به دور از انگیزه

یکی دیگر از بخش‌های اساسی و پر رمز و راز داستان آدم(ع)، مسجود فرشتگان واقع شدن اوست. آیاتی از قرآن گویای این حقیقت است<sup>۱</sup> که وقتی خداوند علم اسما را به آدم آموخت و او به امر پروردگار، فرشتگان را به آن علم آگاه کرد، آنان به عجز خود و برتری آدم اعتراف کردند، به دنبال این برتری آشکار، خداوند به فرشتگان دستور داد بر وی سجده کنند.

در این جا پرسش‌ها و شبهه‌هایی مطرح می‌شود که لازم است به آن‌ها پاسخ گوئیم: آیا سجده برای غیر خدا جایز است؟ اگر جایز نیست چرا خداوند فرشتگان را به سجده بر آدم مأمور ساخت؟ آن سجده، از چه نوع و به چه انگیزه‌ای بوده است؟ بی‌گمان سجده فرشتگان، تحیت و احترام بود، برای آدم و خضوع و عبادت، برای خدا. اما چرا این تکریم آدم به صورت سجده، بر فرشتگان واجب شد؟ می‌توان گفت چون اوج خشوع انسانی در به خاک افتادن و سر به خاک ساییدن، تجلی می‌یابد، این شکل خضوع انتخاب شد. اما از آن جا که بالاترین خشوع و کرنش، باید در پیشگاه خدایی که آفریننده انسان است انجام گیرد، چرا تعظیم و تکریم بر آدم با این ابزار صورت گرفته است؟ این مسئله مفسران و اندیشوران اسلامی را به بررسی واداشته که این، چه سجده‌ای بوده است؟

پرستش، تنها برای احترام و تعظیم مسجود انجام می‌شود.<sup>۲</sup>

در سوره بقره چنین می‌خوانیم:

«و اذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس ابى و

استكبر و كان من الكافرين»<sup>۳</sup>

این آیه همانند سه آیه پیشین در مقام نشان دادن عظمت آدم (ع) شایستگی او برای منصب خلافت الهی است و به بیان دیگر، آن سه آیه به مقام علم خلیفه‌الله اشاره داشت و این آیه، به مقام کرامت و احترام او نظر دارد و البته مقام دوم مرتب بر مقام اول است، زیرا وقتی روشن شد آدم؛ یعنی همان انسان کامل در همه مراحل هستی و عالم وجود، خلیفه‌الله است و به اذن خدا در همه جا حضور دارد و بر همه چیز داناست، به فرشتگان دستور داده شد که با سجده، او را تکریم کنند و سجده فرشتگان در برابر آدم، تحیت و احترام برای وی و خضوع و عبادت برای خداوند بود، چراکه به امثال امر خداوند، چنین تکریمی برای انسان کامل روا داشته شد، نظیر آنچه از برادران و پدر و مادر یوسف در برابر یوسف سر زد که در قرآن می‌فرماید: «ورفع ابویه علی العرش و خروا له سجدا»<sup>۴</sup> پدر و مادر خود را بر تخت نشاند و همگی برای او به سجده افتادند.

بنابراین، سجده برای آدم تحیت و احترام بود، نه عبادت و اطاعت. به بیان دیگر، معبود حقیقی فرشتگان در این سجده، فقط خداوند بود و آن‌ها از باب اطاعت امر الهی، برای آدم سجده کردند؛ یعنی آدم را مظهر خدا یافتند، نه معبود خود، به تعبیر حافظ:

ملک در سجده آدم، زمین بوس تو نیت کرد  
که در حُسن تو چیزی یافت بیش از حد انسانی  
اگر ابلیس رانده شد و ملعون واقع گردید، به این دلیل بود که در آینه آدم، عکس خدا را ندید و به تعبیر استاد مهدی الهی قمشه‌ای (رحمة‌الله علیه):  
جُرمش این بود که در آینه، عکس تو ندید  
ورنه بر بوالبشری ترک سجود این همه نیست  
نعمت مسجود واقع شدن آدم پس از نعمت خلافت، تعلیم اسما و کسوت معلم ملائکه شدن، چهارمین نعمتی بود که به آدم عطا شد و فرشتگان امر الهی را امتثال کردند و شیطان تمرد کرد. این داستان پیام‌هایی دارد:

۱- آن چه نزد خدای سبحان اهمیت دارد، بندگی انسان و در خط وظیفه بودن او است، آن گونه باشیم که خدا می‌خواهد، نه آن گونه که خود می‌خواهیم. از این رو امام صادق (ع) فرمود:  
«پس از آن که خداوند، ابلیس را به سجود فرمان داد، وی گفت: به عزت سوگند، اگر مرا از سجده برای آدم عفو کنی، چنان تو را عبادت کنم که تاکنون کسی این گونه تو را عبادت نکرده باشد. خداوند فرمود: «انی احب ان اطاع من حیث ارید»<sup>۵</sup> من دوست دارم آن گونه که خود می‌خواهم عبادت شوم (نه آن گونه که تو می‌خواهی)».

اگر کسی این گونه باشد، معلوم می‌شود که عبد خدا نیست و بندگی او را نمی‌کند، بلکه بنده هواهای نفسانی و در بند انانیت خویش است و به جای آن که در خط تعبد و وظیفه باشد، در دام غریزه گرفتار آمده است.

۲ - گرچه ظاهر برخی آیات، نشان دهنده سجود فرشتگان بر شخص آدم(ع) است، ولی از برخی آیات دیگر برمی آید که سجده بر آدم، به عنوان نماینده همه انسان‌ها بوده است. کیفیت دلالت آیه این است که می‌فرماید: «خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ»<sup>۶</sup> شما را آفریدیم، آن گاه صورت‌گری کردیم، سپس به فرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید، همه سجده کردند جز شیطان، که از جمله سجده‌کنندگان نبود»، دلیل این برداشت آن است که در آیه مزبور، آفرینش آدم، آفرینش همه انسان‌ها و صورت‌گری او، صورت‌گری همه انسان‌ها قلمداد شده، زیرا با این که محور بحث آدم است، اما ضمیرها جمع به کار رفته است.

در حقیقت سجده ملائکه برای همه بنی آدم و خضوع برای عالم بشر بوده و اگر حضرت آدم(ع) قبله‌گاه سجده فرشتگان شده، از جهت خصوصیت شخصیش نبوده، بلکه از این باب بوده که آدم(ع) نمونه کامل انسانیت و در حقیقت به منزله نماینده از طرف تمام افراد انسان است. هم‌چنان که خانه کعبه از جهت این که حکایت از مقام ربوبی پروردگار می‌کند، قبله‌گاه مردم قرار گرفته است و این معنا از چند بخش داستان آدم استنباط می‌شود. البته انسان‌های حقیقی که انسانیت را پاس می‌دارند نه کسانی که فقط قیافه انسان داشته باشند. به تعبیر استاد مطهری: «پس انسان حقیقی که خلیفه الله است، مسجود ملائکه است، همه چیز برای اوست و بالأخره دارنده همه کمالات انسانی است، انسان به علاوه ایمان است، نه انسان منهای ایمان. انسان منهای ایمان، کاستی گرفته و ناقص است. چنین

انسانی حریص است، خون‌ریز است، بخیل و مُمسک است، عجول و کافر است، از حیوان پست‌تر است. در قرآن آیاتی آمده است که روشن می‌کند انسان ممدوح، چه انسانی و انسان مذموم چه انسانی است. از این آیات استنباط می‌شود که انسان فاقد ایمان و جدا از خدا، انسان واقعی نیست. انسان اگر به یگانه حقیقتی که با ایمان به او و یاد او آرام می‌گیرد پیوندد، دارنده همه کمالات است و اگر از آن حقیقت؛ یعنی خدا جدا بماند، درختی را ماند که از ریشه خویشتن جدا شده است.»<sup>۷</sup>

تحلیلی از سجده فرشتگان بر آدم(ع) در روایات در روایات اسلامی، داستان سجده فرشتگان بر آدم، با عبارات مختلفی آمده است که گویای ابعاد مختلف آن است. با دقت در مضامین روایات، فلسفه این امر و جایگاه برتر انسان‌ها نسبت به موجودات دیگر، حتی فرشتگان روشن می‌شود و نیز معلوم می‌گردد چه انسان‌هایی و با چه معیارهایی دارای چنین امتیازی هستند. اینک به مضمون چند روایت اشاره می‌شود:

موسی بن جعفر(ع)، از پدران بزرگوارش، روایت کرده‌اند که: «مردی یهودی از امیرالمؤمنین(ع) پرسید که رسول خدا(ص) در مقابل سایر انبیا چه معجزاتی داشت؟ مثلاً خداوند ملائکه را وادار کرد تا برای حضرت آدم سجده کنند، آیا برای محمد(ص) نیز چنین منزلتی قائل شد؟ علی(ع) فرمود: درست است، همین طور بود ولی سجده ملائکه برای آدم، اطاعت و عبادت آدم نبود و ملائکه آدم را در مقابل خدا نپرستیدند، بلکه خدای تعالی آنان را بر این کار واداشت تا اعترافی باشد از ملائکه بر برتری آدم و رحمتی باشد از خدا برای او، ولی محمد(ص) را

فضیلتی بالاتر از این داد، خدای جل و علا با آن بزرگی و جبروتی که دارد، با تمام ملائکه‌اش، بر محمد صلوات و درود فرستاد و صلوات فرستادن مؤمنین بر او را عبادت خود خواند و تو ای یهودی! تصدیق می‌کنی که این فضیلت بزرگ‌تر است.»<sup>۸</sup>

امام رضا(ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ آدَمَ فَأَوْدَعَنَا صُلْبَهُ وَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيمًا لَنَا وَ إِكْرَامًا وَ كَانَ سُجُودَهُمْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عُيُودِيَّةً وَ لِآدَمَ إِكْرَامًا وَ طَاعَةً لِكُونِنَا فِي صُلْبِهِ فَكَيْفَ لَا نَكُونُ أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ قَدْ سَجَدُوا لِآدَمَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ؟<sup>۹</sup> وقتی خداوند آدم را آفرید، ما را در صلب او به امانت نهاد و به فرشتگان دستور داد او را سجده کنند، به واسطه تعظیم و گرامیداشت ما، سجده آن‌ها برای خدا عبادت بود و برای آدم احترام و اطاعت، چون ما در صلب او بودیم. چطور ما از ملائکه برتر نباشیم با این‌که همه آن‌ها برای آدم سجده کردند.»

امام حسن عسکری(ع) ضمن حدیث مفصلی فرمود:

«هنگامی که خداوند فضیلت و برتری نیکان امت محمد(ص) و شیعیان علی(ع) و جانشینان پس از او را به فرشتگان شناساند که آنان در سایه محبت الهی تکالیف سخت و دشوار که بر عهده آن‌ها گذاشته شده است را متحمل می‌شوند و فرشتگان تاب تحمل آن را ندارند، بر فرشتگان آشکار شد که آدم و نیکان تقواییه از طوایف انسان، از نیکان فرشتگان برترند.»

البته آن‌چه به‌عنوان قبله قرار گرفتن آدم(ع) گفته شد، برای زدودن غبار احتمال عبادت است، و‌گرنه

آدم مسجود له بود، نه مسجود الیه. البته سجده عبادی، منحصرأً برای خدای سبحان رواست.

خضوع فرشتگان در برابر انسان کامل

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ أَذَّنَ جِبْرَائِيلُ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ تَقَدَّمْ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تَقَدَّمْ يَا جِبْرَائِيلُ، فَقَالَ لَهُ: إِنَّا لَا نَتَقَدَّمُ عَلَى الْأَدَمِيِّينَ مُنْذُ أَمْرِنَا بِالسُّجُودِ لِآدَمَ.<sup>۱۰</sup>

در جمله انا لا نتقدم ...<sup>۱۱</sup>، فعل از این رو به صورت مضارع آمده که دلالت بر استمرار دارد؛ یعنی هر یک از ما نسبت به آن فرد انسانی که از ما برتر است، مقدم نخواهیم شد.

پس معلوم می‌شود جریان آدم به‌عنوان قضیه شخصی زمان‌مند نبوده است، بلکه معیار، خضوع و خدمت فرشتگان در ساحت انسان کامل یا متکامل و تمرّد ابلیس و رهنمی او نسبت به سالکان کوی کمال انسانی است. از این رو همواره ملائکه درصدد تکریم، احسان و خدمت به انسان عالی یا متعالی‌اند و همواره ابلیس و ذریه او درصدد از بین بردن، تهدید، اغوا و اضلال راهیان کزراه‌اند.<sup>۱۲</sup>

\*\*\*

#### ● پی‌نوشت‌ها:

۱. بقره (۲) آیه ۳۴؛ اعراف (۷) آیه ۱۱؛ حجر (۱۵) آیات ۲۹ - ۳۳ و ص (۳۸) آیات ۷۲ - ۷۶.
۲. ر.ک: منشور جاوید، ج ۱۱، ص ۵۸ و محاضرات الوائلی، ج ۵، ص ۳۰۸.
۳. بقره (۲) آیه ۳۴.
۴. یوسف (۱۲) آیه ۱۰۰.
۵. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۲.
۶. اعراف (۷) آیه ۱۱.
۷. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۷۴.
۸. نورالتقلین، ج ۱، ص ۵۸ و بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۹.

- 
۹. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۳۶.
۱۰. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۳۸.
۱۱. تفسیر تسنیم، ج ۳، ص ۳۱۱.
۱۲. جهت مطالعه تکمیلی این مبحث، مطالعه کتاب‌های «مشهور جاوید»، آیه‌الله سبحانی، ج ۱۱ و «تفسیر تسنیم»، آیه‌الله جوادی آملی، ج ۳ توصیه می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی